

مسئولیت اطرافیان، پس از وفات شخص

بازماندگان میت باید به نکات زیر توجه داشته باشند:

۱. چشم هایش را ببندند و برایش دعای خیر بکنند، در حدیث ام سلمه در این باره آمده است:

«دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى أَبِي سَلَمَةَ وَقَدْ شَقَّ بَصَرُهُ فَأَغْمَضَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الرُّوحَ إِذَا قُبِضَ تَبِعَهُ البَصَرُ فَضَجَّ نَاسٌ مِنْ أَهْلِهِ فَقَالَ لَا تَدْعُوا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ إِلَّا بِخَيْرٍ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُؤْمِنُونَ عَلَيَّ مَا تَقُولُونَ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَبِي سَلَمَةَ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِي الْمَهْدِيِّينَ وَاخْلُقْهُ فِي عَقِبِهِ فِي الغَابِرِينَ وَاغْفِرْ لَنَا وَلَهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَافْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَنَوِّرْ لَهُ فِيهِ» مسلم و احمد

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه و سلم نزد ابو سلمه رفت، در حالی که چشمهای ابو سلمه بازمانده به طرف بالا نگاه می کرد، رسول الله صلی الله علیه و سلم چشم هایش را بست و فرمود: هنگام قبض روح، چشم ها روح را دنبال می کنند. تعدادی از افراد خانواده ابوسلمه به آه و فغان در آمدند. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: خود را نفرین نکنید، بلکه در حق خود دعای خیر نمایید. زیرا فرشتگان دعاهای شما را آمین می گویند. سپس فرمود: خداوندا! به ابوسلمه رحم کن و درجات او را در میان هدایت یافتگان عالی بگردان و جانشینی برای بازماندگانش باش. پروردگارا! ما و ایشان را مغفرت فرما و قبرش را منور بگردان.

۲. تمام بدنش را با پارچه ای بپوشانند. در حدیثی از عایشه آمده است:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ تَوَفَّى سَجَّى بِبُرْدٍ حَبْرَةَ»^۱. (هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و سلم وفات یافت، پیکر مبارکش را با یک چادر کتانی خطدار پوشاندند).

۳. اگر کسی در حالت احرام، فوت نماید، سر و صورتش را نپوشانید. زیرا در حدیث ابن عباس رضی الله عنه آمده است:

«بَيْنَمَا رَجُلٌ وَقَفَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِعَرَفَةَ إِذْ وَقَعَ مِنْ رَأْسِهِ قَالَ أَيُّوبُ فَأَوْقَصَتْهُ أَوْ قَالَ فَأَقْعَصَتْهُ وَقَالَ عَمْرُو فَوَقَصَتْهُ فَذَكَرَ ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ اغْسِلُوهُ بِمَاءٍ وَسِدْرٍ وَكَفِّنُوهُ فِي ثَوْبَيْنِ وَلَا تُحَنِّطُوهُ وَلَا تُخَمِّرُوا رَأْسَهُ قَالَ أَيُّوبُ فَإِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلَبَّيًّا»^۲.

ترجمه: شخصی در حال وقوف در عرفه بود از سواری خود، بر زمین افتاد و استخوان گردنش شکست و فوت کرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: او را با آب و سدر غسل دهید و در همان دو پارچه (احرام) کفن نمایید. کفنش را معطر نکنید، سر و صورتش را نپوشانید. زیرا او روز قیامت، لبیک گویند برانگیخته خواهد شد.

1- بخاری و مسلم.
2- بخاری و مسلم و ابونعیم فی المستخرج و بیهقی.

۴. پس از اینکه شخص فوت نمود، هر چه سریعتر او را تجهیز کنید. چنانکه ابوهریره رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت می کند که فرمود: «**أسرعوا بالجنزة**» (میت را هر چه زودتر کفن و دفن نمائید).

۵. میت را باید در شهری که فوت کرده است به خاک سپرد. زیرا انتقال میت از شهری به شهری دیگر، با حدیث فوق منافات دارد که فرمود: «**أسرعوا بالجنزة**».

جابر بن عبدالله می گوید: کشته شدگان غزوه احد را برای دفن در بقیع بسوی مدینه حمل نمودند. منادی رسول خدا صلی الله علیه و سلم ندا داد که: آنحضرت صلی الله علیه و سلم دستور می دهد که کشته شدگان را سر جایشان دفن کنید.

جابر رضی الله عنه می گوید: در این اثناء، مادرم. جسد پدر و دائی ام را بر روی شترها نهاده بود تا آنها را برای دفن، به بقیع ببریم اما با شنیدن این دستور رسول الله صلی الله علیه و سلم، برگشتیم و آنها را با سایر کشته شدگان در محلی که کشته شده بودند دفن نمودیم. اصحاب سنن اربعة، ابن حبان، احمد و بیهقی آری! به همین دلیل بود که عایشه رضی الله عنه در مورد یکی از برادرانش که در سرزمین حبشه کشته شده و برای دفن، به محلی دیگر انتقال داده شده بود، فرمود: هیچ نگرانی ندارم، جز این که دوست داشتم برادرم در همان محلی که کشته شده بود، دفن می شد. بیهقی با سند صحیح

امام نووی می گوید: حتی اگر کسی وصیت کرده بود که جنازه اش را به شهری دیگر ببرند، به وصیت اش عمل نشود و طبق رأی اکثر علماء انتقال جنازه از محلی به محلی دیگر حرام و ناجایز است. (الاذکار)

۶. بازماندگان شخص فوت شده، برای پرداخت بدهی های میت از مالش مبادرت ورزند. حتی اگر تمام ثروتش در این راه صرف شود. و اگر ثروتی از خود باقی نگذاشته بود ولی در زمان حیات برای پرداخت بدهی های خود تلاش نموده بود، دولت مکلف است که بدهی هایش را بپردازد. و اگر دولت، چنین نکرد و افراد خیری بدهی هایش را پرداخت نمودند اشکالی ندارد و در این مورد احادیث زیر آمده است:

- سعد بن اطول می گوید: برادرم فوت کرد و سیصد درهم از او بجا ماند. زن و فرزندی نیز داشت. من تصمیم گرفتم ترکه اش را برای آنها هزینه کنم. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: برادرت بخاطر بدهی هایش در قبر زندانی است. بدهی هایش را بپرداز. رفتم و بدهی هایش را پرداخت نمودم. سپس نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم برگشتم و گفتم: ای پیامبر خدا! تمام بدهی های برادرم را پرداخت نمودم، جز دو دینار. زیرا مدعی آنها زنی بود که گواهی نداشت.

رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود:

«**أَعْطَهَا فَإِنَّهَا مُحِقَّةٌ أَوْ صَادِقَةٌ**». ابن ماجه سندش صحیح است، احمد و بیهقی. (یعنی طلب آن زن را نیز بده، چرا که او راست می گوید).

• سمره بن جندب می گوید: رسول الله صلی الله علیه و سلم بعد از برگزاری نماز میت، و در روایتی دیگر، بعد از برگزاری نماز صبح، فرمود: آیا از فلان طایفه، کسی اینجا حضور دارد؟ همه سکوت اختیار نمودند. و شیوه معمول صحابه به این صورت بود که هرگاه رسول الله صلی الله علیه و سلم ابتدا به ساکن، سوالی مطرح می نمود، همه سکوت می کردند. رسول الله صلی الله علیه و سلم این سوال را سه بار تکرار کرد ولی کسی جواب نداد. سرانجام مردی گفت: آن شخص، از فلان طایفه است. روای می گوید: آنگاه مردی که ازارش بر زمین کشیده می شد، از انتهای مجلس برخاست. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: چرا بار اول و دوم به سوالم جواب ندادی؟ سپس فرمود: فلان شخص - که از طایفه آنان بود - بخاطر بدهی هایش از رفتن به بهشت منع شده است. اگر مایلید، بدهی هایش را بپردازید تا راه او بسوی بهشت باز شود. و گرنه، او را به عذاب الهی بسپارید. پس اگر خانواده او و یا کسانی را که به فکر او هستند، ملاقات نمودی به آنها بگو که بدهی هایش را بپردازند تا طلبکاری نداشته باشد.

ابوداود، نسائی، طیالسی، حاکم، بیهقی و احمد. حاکم آنرا صحیح دانسته است و ذهبی وی را تایید کرده است.

• جابر بن عبدالله می گوید: شخصی فوت کرد او را غسل دادیم، کفن کردیم، عطر زدیم و در جایگاه مخصوص جناز در نزدیکی مقام جبرئیل گذاشتیم. تا رسول الله صلی الله علیه و سلم بر او نماز بگذارد، سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم را مطلع ساختیم که جنازه آماده است. رسول الله صلی الله علیه و سلم چند قدم همراه ما آمد، و سپس فرمود: ممکن است او (میت) مدیون باشد. عرض کردیم: آری، دو دینار بدهکار است. رسول الله صلی الله علیه و سلم برگشت و فرمود: شما بر او نماز بخوانید. یکی از میان ما بنام ابوقتاده گفت: ای پیامبر خدا من آن دو دینار را پرداخت می کنم. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: پس آن دو دینار به عهده تو می باشد و از مال تو باید پرداخت شود و از ذمه میت ساقط گردید؟ آنگاه رسول الله صلی الله علیه و سلم بر وی نماز خواند. روز بعد که چشمش به قتاده افتاد، فرمود: در مورد آن دو دینار چه کردی؟ ابوقتاده گفت: پرداخت کردم، رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: اکنون عذاب از او دور گشته و در آرامش بسر می برد. حاکم، بیهقی، طیالسی با اسناد حسن

توجه:

۱- از حدیث فوق چنین بر می آید که ابوقتاده بدهی های میت را پس از اقامه نماز پرداخت نموده است. در حالی که از خود ابوقتاده به روایت صحیح ثابت است که پرداخت دیون، قبل از برگزاری نماز، بوده است.

اگر دو مورد مذکور، متفاوت نباشند، صحت روایت ابوقتاده ترجیح دارد. زیرا در سلسله سند روایت جابر، عبدالله بن محمد بن عقیل وجود دارد که متکلم فیه است. اگر روایات نقل شده از وی، مخالف با روایات دیگران نباشد، در چه حسن قرار دارند. اما در صورت مخالفت، قابل استدلال نیستند. و الله اعلم.

۲- از مجموع روایات فوق، چنین استنباط می شود که اگر بدهی های شخص فوت شده، توسط شخصی دیگر غیر از فرزندش پرداخت شود، دین از عهده میت ادا می گردد. و از عذاب الهی نجات می یابد.

بنابراین احادیث فوق در واقع عمومیت آیه «و ان لیس للانسان الا ما سعی» را که گویای این مطلب است که تلاش دیگران برای انسان تاثیری ندارد و همچنین حدیث معروفی را که می گوید: هرگاه انسان بمیرد، اعمالش غیر از سه مورد (فرزند نیکوکار، صدقه جاری و علم مفید) منقطع می شود. (مسلم و بخاری) را از بین می برد. بدین معنی که گاهی عمل دیگران برای انسان مفید واقع می شود.

البته پرداخت بدهی های میت با صدقه دادن برای وی، فرق دارد. چرا که پرداخت بدهی، امری خاص و پرداخت صدقه، امری عام است. برخی نقل کرده اند که در مورد صحت صدقه دادن برای میت، اجماع وجود دارد. در صورت صحت اجماع، مشکلی وجود ندارد. در غیر اینصورت، احادیثی که در مورد صحت صدقه برای میت وارد شده است، حمل بر صدقه فرزند برای پدر می شود. زیرا نص حدیث، فرزند را کسب (جزو اعمال) پدر و مادر می داند ولی فرد بیگانه، چنین نیست و قابل مقایسه با فرزند نمی باشد. لذا این مقایسه، در واقع قیاس مع الفارق است. همچنین صدقه دادن با ادای دین، قیاس نمی شود. زیرا صدقه از ادای دین، عام تر است. همانطور که شرح آن گذشت. و ما در آخر این کتاب در مورد این مسأله توضیح بیشتری خواهیم داد. (ان شاء الله)

- جابر رضی الله عنه می گوید: پدرم در غزوه احد شهید شد و شش دختر از او بجا ماند و مقدار زیادی خرما نیز بدهکار بود. طلبکاران برای باز پس گرفتن حق خود اصرار ورزیدند. هنگامی که فصل جمع آوری خرما فرا رسید، نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم رفتم و عرض کردم: ای پیامبر خدا! شما که میدانید پدرم در غزوه احد شهید شده و بدهکار است. دوست دارم طلبکارانش با شما ملاقات نمایند. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: برو و انواع خرماها را جداگانه جمع کن. جابر می گوید: من نیز مطابق دستور، آنها را جمع آوری کردم. سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم را دعوت نمودم. آنحضرت صلی الله علیه و سلم صبح روز بعد آمد. هنگامی که طلبکاران، رسول الله صلی الله علیه و سلم را دیدند، احساس چیرگی نمودند (یقین نمودند که حقتشان به آنها خواهد رسید). وقتی که رسول الله صلی الله علیه و سلم عکس العمل طلبکاران را دید، سه بار اطراف بزرگترین خرمن خرما دور زد و دعای برکت نمود. سپس کنار آن نشست و فرمود: طلبکاران را بگو تا بیایند، رسول الله صلی الله علیه و سلم همچنان خرما کیل می کرد و به آنها می داد تا اینکه تمام بدهی های پدرم را پرداخت نمود. من فقط راضی بودم که بدهی های پدرم ادا شود و چیزی برای خواهرانم باقی نماند. بخدا سوگند که همه خرمن های خرما همچنان باقی ماندند. حتی من به خرمنی که رسول الله صلی الله علیه و سلم در کنار آن نشسته بود و از آن به طلبکاران داده بود، نگاه کردم گویا یک دانه خرما از آن کم نشده بود. هنگام نماز مغرب رسول الله صلی الله علیه و سلم را دیدم و جریان را برایش بازگو نمودم. آنحضرت صلی الله علیه و سلم تبسم کرد و فرمود: نزد ابوبکر و عمر برو و آنان را نیز از این جریان با خبر ساز.

وقتی آن دو بزرگوار را آگاه کردم، گفتند: هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد، ما می دانستیم که چنین خواهد شد.

• رسول الله صلی الله علیه و سلم در ادامه یک خطبه فرمود:

«مَنْ تَرَكَ مَالًا فَلِوَرَثَتِهِ وَمَنْ تَرَكَ دَيْنًا أَوْ ضِيَاعًا فَعَلَىَّ وَإِلَىَّ وَأَنَا أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ»^۳.

(هرکس پس از خود مالی بگذارد ، من (یعنی بیت المال و حکومت) مسنول پرداخت و پرورش مال و عیال او هستیم).

• از عایشه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود:

«مَنْ حَمَلَ مِنْ أُمَّتِي دَيْنًا ثُمَّ جَهَدَ فِي قَضَائِهِ فَمَاتَ وَلَمْ يَقْضِهِ فَأَنَا وَلِيُّهُ»^۴.

(هر کس از امتیان من بمیرد در حالی که مدیون است و برای ادای دین، تلاش نموده است، پرداخت آن، به عهده من است).

[telegram.me/ahkamjanayezqeshm](https://t.me/ahkamjanayezqeshm)

1- بخاری، ابو داود، نسائی، دارمی، ابن ماجه، بیهقی و احمد.
1- مسلم، مسائی، بیهقی، احمد و ابونعیم در حیلہ.